

ای جان عالمیان، جان جهان، چرا قدت خم شد
 با داغت مثل حسین، مثل حسن، نصیب من غم شد
 می روی تا تازه شود، داغ پیغمبر به دلم
 زخم پهلویت به خدا می زند خنجر به دلم
 دعا کنم داغت، بگیرد از من جان
 که ماتم هجران، چنین شود درمان
 کربلا یک طرف و داغ مادر یک طرف
 نیزه ها یک طرف و ضربه در یک طرف
 که زینت مضطر بشود، هوایی مادر بشود
 حسین تو تنهاست
 سر حسینت بر سر نی تداعی محشر بشود
 قیامتی بر پاست

شاعر: میلاد عرفان پور

توی صحرا، تک و تنها، یه غریبی که یاری نداره
 همه یاراش، غرق در خون، توی لشگر علمداری نداره
 لب تشنه، تیغ و دشنه، رگایی که دیگه خون نداره
 بدنی چاک، به روی خاک، آقایی که دیگه جون نداره
 توی گودال، میشه پامال، سینه ای که بوسه گاه زهراست
 لرزه افتاد، به دل ماه، کسی انگار روی سینه مولاست
 داره میاد، سمت گودال، خواهری که از غصه شکسته
 ولی انگار، قبل خواهر، مادری خسته اونجا نشسته

شاعر: حسین ایزدی

چه روزگاریه خدای من چرا اینا نمی دونند
 به صاحب عزا تسلیت میگویند خوشو نمی سوزوند

آتیش ، آتیش، افتاده به جون خونه
 بچه ام ، بچه ام، داغش به دلم می مونه

آسمون گرفته
 باز بارون گرفته
 شیر خدا زبون گرفته

وای من و وای من و وای من میخ در و سینه زهرای من

واویلا علی رو بردن
 واویلا پسر رو کشتن
 واویلا به خدا بریدم
 واویلا مادر شهیدم

آخه چرا با هیزم و آتیش برای ملاقات اومدن
 تا فهمیدن پشت درم همه به در لگد زدن

رحمی ، رحمی، خیلی آخه بی پناهم
 ای وای ، ای وای، خونه ام شده قتلگاه

خونه شعله زاره
 میخ در خون میباره
 علی تو کوچه روضه داره

در وسط کوچه تو را می زدند می زدند کاش به جای تو مرا می زدند می زدند

واویلا مردن آرزومه
 واویلا کارم تمومه

بین کوچه با تازیونه ها حرمت منو شکستن
 پیش چشمای بچه های من دست بابا رو بستن

چشمام ، چشمام، از دود آتیش می سوزه
 زینب ، زینب، چشماشو به در می دوزه

کربلا مدینه
 قاتلی با کینه
 روی سینه حسین می شینه

زمزمه حسین حسین گواه است گواه است
 فاطمه در گودی قتلگاه است گواه است گواه است

نه سالی می شود، دل به لبخند تو، کرده عادت
اینک من ماندم و بار حسرت
پیش چشم من است، لحظه لحظه هنوز، خاطرات
اینک دل مانده و داغ غربت
روز بی فاطمه باورم نیست همراه و همدم و یاورم نیست
ای یاس پر پر، الوداع الوداع
سوره ی کوثرم، الوداع الوداع
"فاطمه فاطمه فاطمه فاطمه جان"

امّ أبیها سیّدتی زهرا
عصمت کبری سیّدتی زهرا
یاور مولا سیّدتی زهرا
شبیم گلها زچشم تروت
سینه زنان غلام قنبرت
حمد و تکبیر و دعا وسجود
سجده برده به خاک محضرت

بی تو من ماندم و خانه ای سوت و کور، همزبانم
شهری نامهربان، مهربانم!
بی تابی حسن، گریه های حسین، آه زینب
بی مادر مانده اند، کودکانم
دور از چشم همه گریه کردم فاطمه فاطمه گریه کردم
ای یاس پر پر، الوداع الوداع
سوره ی کوثرم، الوداع الوداع
"فاطمه فاطمه فاطمه فاطمه جان"

جان پیمبر سیّدتی زهرا
خورشید محشر سیّدتی زهرا
سوره کوثر سیّدتی زهرا

امّ أبیها سیّدتی زهرا
عصمت کبری سیّدتی زهرا
یاور مولا سیّدتی زهرا

مثل تو در راه دین و قرآن
جان خود را فدا می کنیم ما
با سرنگونی وهابیت

حرمت را بنا می کنیم ما
ای نور دیده سیّدتی زهرا
قامت خمیده سیّدتی زهرا

شدی شهیده سیّدتی زهرا
امّ أبیها سیّدتی زهرا

عصمت کبری سیّدتی زهرا
یاور مولا سیّدتی زهرا

عهدی چون فاطمه، بسته اند عاشقان با ولایت
با مولا مانده اند تا شهادت
قبر بی نامشان، قطعه ای بی نشان، از مدینه است
داغ دیرینشان، زخم سینه است
با ذکر یا علی جان سپردند با فرمان ولی جان
سپردند
(راه ما تا ابد راه پیر خمین با فرمان ولی با ذکر
یا حسین)

دم پایانی

دل می تپد این شب ها با یاد تو یا زهرا
با آیه تطهیر و با سوره أعطینا
شد نذر غم تو این اشک دمام
ریحانه حیدر مظلومه عالم

شور و شرری دارد باز این دل شیدایی
با یاد شهیدان این نهضت زهرایی
با صبر و بصیرت با شوق شهادت
مشتاق جهادیم در راه ولایت

ما می گذریم از جان رهبر چو دهد فرمان
والله که می مانیم مردانه در این میدان
هرگز نهراسیم از فتنه و تحریم
ما مرد نبردیم نه سازش و تسلیم

یا فاطمه کاش از ره فرزند تو باز آید
آوای أنا المهدی از سوی حجاز آید
عالم به ظهورش زیبا شود آخر
آن تربت گمنام پیدا شود آخر

شاعر: محمد مهدی سیار